

کارخانه‌های کاریکاتور ساز

الگوی موفقیت برای موفق

محمدعلی اسماعیل زاده اصل

عضو شورای راهبری گروه آموزشی و پژوهشی آسمان، دانشگاه صنعتی شریف

مدارس تیزهوشان و نمونه می‌بریم که توجه بیشتری به پرورش استعدادشان شود.

در موارد دیگری هم که گروه‌ها، فعالیت‌ها یا روش‌هایی برای موفقیت یا فراگیر شدن با هم رقابت می‌کنند، الگوی سیستمی موفقیت برای موفق می‌تواند فعال شود. در این مقاله به بررسی این ساختار و نتایج و آسیب‌های آن در مدارس و سیستم آموزش و پرورش می‌پردازیم.

دانش‌آموزانی که تکالیفشان را بدون نقص و به موقع انجام می‌دهند، مورد علاقه معلمان هستند. آفرین و صدآفرین معلمان به این دانش‌آموزان می‌رسد. نام این دانش‌آموزان هم به‌عنوان مثال دانش‌آموز خوب و نمونه در کلاس و مدرسه مطرح می‌شود. همین دانش‌آموزان هم معمولاً شاگرد اول و دوم می‌شوند. جایزه‌ها و معرفی سر صف هم برای همین‌هاست. بعضی‌هایشان را هم جدا می‌کنیم و به



ماجرای مداد و پاک‌کن

مداد و پاک‌کن مشغول نوشتن داستان زندگی شدند.

قسمت اول داستان مورد توجه خوانندگان قرار گرفت.

آن‌ها وقت بیشتری برای نوشتن قسمت دوم اختصاص دادند.

قسمت‌های بعد هم با استقبال خوبی مواجه شد.

هرچه خوانندگان بیشتری پیدا می‌کردند، وقت بیشتری برای نوشتن داستان اختصاص می‌دادند.

آن‌ها آنقدر مشغول نوشتن داستان زندگی شدند، که فرصتی برای خود

زندگی برایشان باقی نمانده بود.



دارد» و یا «متغیر اول از متغیر دوم کم می‌شود». علامت + داخل حلقه: چرخه بازخوردی که هر تغییری را در خودش تقویت می‌کند. علامت - داخل حلقه: چرخه بازخوردی که هر تغییری را به سمت رسیدن به تعادل می‌برد.

علامت + روی کمان: رابطه علت و معلولی که «تغییرات متغیر اول اثری هم‌جهت بر متغیر دوم دارد» و یا «متغیر اول به متغیر دوم اضافه می‌شود». علامت - روی کمان: رابطه علت و معلولی که «تغییرات متغیر اول اثری خلاف جهت بر متغیر دوم

الگوهای تفکر سیستمی

اگرچه مدارس تفاوت‌های زیادی با هم دارند ولی مشکلات مشابهی نیز دارند. این مشکلات نشان‌دهنده روش‌های تصمیم‌گیری یکسان و ساختارهای مشابهی است که در این مدارس وجود دارد و آسیب‌زا است. ریشه‌های این مشکلات معمولاً پنهان هستند و در طی زمان نشانه‌های مختلفی از آن‌ها دیده می‌شود. الگوهای تفکر سیستمی بعضی از ساختارها و روش‌های تصمیم‌گیری متداول و چگونگی عملکرد آن‌ها را نشان می‌دهند. با استفاده از این الگوها می‌توانیم با دیدن نشانه‌های مشکلات به ساختارهای شکل‌دهنده آن‌ها پی ببریم و با اصلاح این ساختارها، مؤثرترین روش‌ها را برای حل این مشکلات به کار ببریم. این الگوها، مبنای اولیه‌ای برای تشخیص هستند و برای هر مسئله، عوامل و روابط دیگری که در آن مسئله خاص اثرگذار هستند، باید در نظر گرفته شوند.



شرح الگو

گاهی موفقیت دو یا چند نفر، یا موفقیت در دو یا چند فعالیت با هم مقایسه می‌شوند و در نتیجه این مقایسه، به دلایل مختلف به فرد یا فعالیت موفق تر منابع بیشتری اختصاص داده می‌شود. در چنین شرایطی، با توجه به محدود بودن منابع، فرد یا فعالیتی که منابع بیشتری دریافت کرده است، امکان کسب موفقیت‌های بعدی و جذب منابع بیش از پیش را پیدا می‌کند و افراد یا فعالیت‌های دیگر، منابع کمتری نسبت به قبل خواهند داشت. نتیجه فعال بودن این الگو این است که یک طرف با موفقیت‌های پیاپی رشد می‌کند و دیگری در مسیر سقوط و به حاشیه رفتن پیش می‌رود. این در حالی است که الزام تفاوت معنی‌داری بین دو طرف نیست. در این ساختار فقط یک تقدم زمانی در کسب اولین موفقیت‌ها کفایت که چرخه‌های رشد و افول فعال شوند.

الگوی موفقیت برای موفق، با دو مفهوم «پیش‌بینی‌های محقق» و «تله‌شایستگی» نزدیکی زیادی دارد.

پیش‌بینی‌های محقق

وقتی معلم فکر می‌کند یک دانش‌آموز استعداد بیشتری از سایرین دارد، به او

توجه بیشتری می‌کند. این دانش‌آموز با دریافت توجه و جملات روحیه‌بخش از معلمش اعتمادبه‌نفس بیشتری پیدا کرده، تلاش بیشتری می‌کند و نتایج بهتری نسبت به هم‌کلاسی‌هایش به دست می‌آورد. در نتیجه پیش‌بینی معلم محقق می‌شود و معلم به خودش تبریک می‌گوید و خوشحال است که از روز اول توانسته شاگرد اول کلاسش را بشناسد. دانش‌آموزی که روز اول معلم به او گفته که «تو هیچ‌چی نمیشی» هم بابتی علاقه‌ی سر کلاس می‌رود و درس نمی‌خواند و تمرین‌ها را انجام نمی‌دهد و در نهایت هم نتیجه خوبی نمی‌گیرد. عجب پیش‌بینی دقیقی!

تله‌شایستگی

مدرسه روشی را برای آموزش انتخاب می‌کند. به مرور زمان معلم‌ها این روش را یاد می‌گیرند و در کلاس‌هایشان مورد استفاده قرار می‌دهند. این روش آموزش اثربخش است و موفقیت‌هایی را برای مدرسه در پی می‌آورد. یکی از معلم‌ها که به تازگی در یک دوره آموزشی شرکت کرده و با روش جدیدی آشنا شده است، پیشنهاد استفاده از روش جدید را پیشنهاد می‌کند. معلم‌های دیگر که به روش قبلی تسلط دارند، تمایلی به تغییر روش تدریس

و استفاده از روش جدید ندارند. حتی اگر بخواهند از روش جدید استفاده کنند، در ابتدا که آشنایی کمی با این روش دارند، عملکرد پایین‌تری نسبت به روش قبلی خواهند داشت. اعتراض دانش‌آموزان و خانواده‌ها در نهایت باعث می‌شود مدرسه به روش قبلی بازگردد.

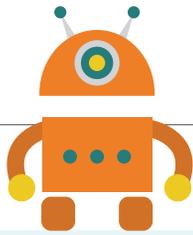
«پیش‌بینی‌های محقق» استعدادهای بسیاری را نابود می‌کنند و «تله‌شایستگی» از مدارس و معلمان فسیل می‌سازد.

در الگوی موفقیت برای موفق، عامل اصلی «تخصیص منابع» است. هر فعالیت و طرح و برنامه‌ای برای اجرایی شدن به منابعی نیاز دارد. این منابع می‌توانند به صورت منابع مادی مانند پول و فضای کاری و تجهیزات، یا از نوع محبت و توجه و زمان یا موارد دیگر باشند. افراد و فعالیت‌هایی که منابع لازم را دریافت کنند، فرصت لازم برای پیشرفت و اجرایی کردن برنامه‌هایشان پیدا می‌کنند و افراد و فعالیت‌هایی که منابع کمتری دریافت کنند، پیشرفتشان با محدودیت مواجه می‌شود. افراد تصمیم‌گیرنده، به دنبال بهترین استفاده از منابع هستند. برای همین خیلی طبیعی به نظر می‌رسد که منابع را به افراد و فعالیت‌هایی اختصاص دهند که پیشرفت بهتری داشته‌اند و به این ترتیب الگوی «موفقیت برای موفق» فعال می‌شود.

نشانه‌های فعال بودن این الگو

بعضی مشاهدات ممکن است نشان دهند که این الگو در مدرسه شما فعال است.
در چنین شرایطی:
● تمایل زیادی برای مقایسه افراد با یکدیگر وجود دارد؛
● چند نفر همیشه رتبه‌های برتر را در زمینه‌های مختلف در کلاس و مدرسه دارند و بقیه در هیچ زمینه‌ای موفق دیده نمی‌شوند؛

● هر یک از دانش‌آموزان در یکی از ابعاد مثل درس یا تحصیل یا فعالیت‌های اجتماعی و مانند آن‌ها رشد می‌کنند و در زمینه‌های دیگر ضعیف باقی می‌مانند؛
● مدیر و معلمان و کادر مدرسه زمان زیادی به کارهای مدرسه اختصاص می‌دهند و به زندگی شخصی خودشان نمی‌رسند؛
● روش‌های جدید آموزشی فرصت رشد پیدا نمی‌کنند.
● مدرسه به موفقیت در یک زمینه شناخته می‌شود و در زمینه‌های دیگر عملکرد متناسبی ندارد.



نگاه یک متفکر سیستمی

نظام فکری سرمایه‌داری با هدف رسیدن به بهترین کیفیت و کمترین قیمت، ساختارهایی بر مبنای رقابت طراحی کرده است که در آن‌ها قوی‌ها باقی می‌مانند و ضعیف‌ها نابود می‌شوند. در طی زمان، این ساختارها از دنیای کسب و کار به دنیای آموزش هم وارد شده و سال‌هاست مدارس و دانشگاه‌های ما آن‌ها را به‌عنوان تنها گزینه موجود برای رسیدن به موفقیت به کار گرفته‌اند.

اما وقتی در مورد انسان‌ها صحبت می‌کنیم، طراحی فضای رقابتی که در آن بهترین‌ها سهم بیشتری از منابع در اختیار بگیرند و ضعیف‌ترها حذف شوند، نه انسانی است و نه واقعی. ضعیف‌ترها حذف نمی‌شوند. در همین جامعه و کنار همین کسانی که آن‌ها را نخبه می‌نامیم زندگی می‌کنند. ساختار موفقیت برای موفق فاصله تحصیلی، مهارتی و درآمدی را بیشتر می‌کند و جامعه دو قطبی می‌شود. ثروتمندها ثروتمندتر می‌شوند و فقرا فقیرتر. در چنین جامعه‌ای نه تنها فقرا و کسانی که نادیده گرفته شده‌اند آسیب می‌بینند، بلکه کسانی که ثروت و شهرت را هم به دست آورده‌اند نمی‌توانند از ثروت و شهرتشان در امنیت بهره ببرند. فقر و احساس تبعیض و نابرابری، قلدری و دزدی و ناامنی می‌آفرینند و تمام جامعه در آسیب‌های ایجاد شده شریک می‌شوند.

مدارس اولین نقطه برای تغییر این چرخه‌های معیوب هستند. می‌توانیم مدارس را به جایی امن برای تجربه‌های جدید تبدیل کنیم. می‌توانیم مدارس را به مکان‌هایی تبدیل کنیم که در آن‌ها دانش‌آموزان قوی‌تر، دست کسانی را که عقب مانده‌اند می‌گیرند و با خود بالا می‌کشند. جایی که به جای نمره دادن و برجسب زدن و مقایسه دانش‌آموزان برای انتخاب برترین‌ها، به رشد توانمندی‌های تمام دانش‌آموزان توجه می‌شود.

راهکارهای مواجهه با الگوی تشدید رقابت

در مواردی که متوجه شدید این الگو فعال است، برای کاهش آسیب‌ها به این راهکارها فکر کنید:

- آیا مدرسه شما موفقیت دانش‌آموزان و معلمان را اندازه می‌گیرد؟ معیارهای موفقیت در مدرسه شما چه چیزهایی هستند؟ آیا این معیارها واقعا نشان دهنده موفقیت هستند؟
- روش‌های اندازه‌گیری و زمینه‌های مقایسه را بررسی کنید. شاید آن‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که شما را در دام الگوی موفقیت برای موفق می‌اندازند.
- شاخص‌هایی را برای اندازه‌گیری در نظر بگیرید که به تعادل در زندگی و رشد توجه می‌کنند.
- آیا تخصیص منابع در مدرسه شما بر مبنای موفقیت‌ها انجام می‌شود؟ می‌توانید روش دیگری برای تخصیص منابع پیشنهاد دهید؟
- اگر متوجه شدید دوقطبی قوی و ضعیف به‌وجود آمده است، به طرفی که ضعیف‌تر است توجه بیشتری کنید تا بتواند محدودیت‌های رشدش را برطرف کند.
- ارتباط بین دو طرف را به گونه‌ای طراحی کنید که رشد یکی باعث کمک به رشد دیگری شود.
- حتی وقتی روش‌های شما خیلی موفق هستند، تجربه روش‌های جدید را به‌عنوان یک ارزش معرفی کنید و در جایی که مقاومت برای تجربه این روش‌ها وجود دارد، به کارگیری روش‌های جدید را تسهیل کنید.
- خودتان بهترین رقیب خودتان باشید و به جای مقایسه با دیگران، سعی کنید وضعیت و روش‌هایتان را به طور پیوسته بهتر و بهتر کنید.

مثال‌های دیگری از این الگو

- رقابت بین فعالیت‌های درسی و فعالیت‌های ورزشی در تخصیص زمان یک دانش‌آموز
- تلاش گروه‌های درسی برای کسب ساعت درسی بیشتر از برنامه درسی
- تدریس معلمان با تجربه‌تر در مدارس با امکانات بیشتر و اعزام معلمان کم‌تجربه به روستاها
- تلاش گروه‌های مختلف در سازمان‌ها برای جذب منابع بیشتر
- رقابت وزارت آموزش و پرورش با باقی وزارتخانه‌ها برای کسب بودجه
- تخصیص زمان به کار در مقابل تخصیص زمان به خانواده

